



گرامی باد سالگرد رستاخیز سیاهکل و

قیام بهمن!

بار دیگر در آستانه سالگرد رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن قرار داریم. دو رویداد تاریخی ای که نقش بزرگی در جنبش انقلابی مردم ما ایفا کردند. در ۱۹ بهمن سال ۴۹ چریکهای فدایی خلق با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل (در جنگلهای لاهیجان) به مثابه نمادی از ماشین درنده خوی سرکوب رژیم سلطنت، حرکتی را بنیان گذاشتند که به تدریج در روند خود توانست انرژی انقلابی توده ها را آزاد و آنها را به صحنه نبرد با دشمن کشاند. عمل آگاهانه سیاهکل در حقیقت "نقبی" بود به "قدرت تاریخی توده ها" جهت کشاندن آنها به میدان مبارزه تعیین کننده و دیدیم که توده ها چه زود به ندای پیشاهنگان خود پاسخ داده و با گسترش اعتراضات و مبارزات خود سر انجام با قیام بهمن بساط سلطنت پهلوی را برای همیشه در هم شکستند. در روزهای قیام (۲۱ و ۲۲ بهمن سال ۵۷) همگان شاهد بودند که چگونه توده های قیام کننده با الهام از رزمندگان سیاهکل با سردادن شعارهایی نظیر "ایران را سراسر سیاهکل می کنیم!" به خیابانها ریخته و رژیم ضد مردمی شاه را به زباله دان تاریخ انداختند.

متأسفانه قیام بهمن بدلیل عدم تشکل انقلابی طبقه کارگر و فقدان یک رهبری کمونیستی در راس آن، قادر به نابودی سلطه امپریالیسم و واژگونی نظام سرمایه داری وابسته حاکم نشد و نظام ظالمانه مزبور این بار تحت هدایت جمهوری اسلامی به حیات انگلی خود تداوم بخشید و به همین دلیل هم مردم ما از دستیابی به آزادی و دموکراسی محروم شدند. امری که آثار و عواقبش را همگان در ۲۹ سال گذشته با پوست و گوشت خود لمس کرده اند.

نابودی نظام سرمایه داری وابسته حاکم هدف استراتژیک رزمندگان سیاهکل را تشکیل می داد. نظامی که در تجربه سالهای طولانی سلطنت پهلوی به عینه نشان داده بود که جز با اعمال دیکتاتوری قادر به حکومت نبوده و نیست. واقعیت فوق که برای اولین بار در تئوری رزمندگان سیاهکل در جنبش انقلابی مردم ما طرح گردید، صحت خود را با روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی بیش از پیش آشکار نمود. با استمرار سیستم سرمایه داری وابسته، مردم ما شاهد اعمال دیکتاتوری لجام گسیخته جمهوری اسلامی شدند که ده ها بار عریان تر و ددمنشانه تر از دوران سلطنت پهلوی می باشد. امروز در شرایط کنونی ایران با اوج گیری مبارزات کارگران و توده های ستمدیده و بخصوص رشد اعتراضات دانشجویی، برخی تفکرات رفرمیستی دوباره قد علم نموده و می کوشند نظریه علمی و مبتنی بر واقعیت فوق را نادیده گرفته و به این وسیله خاک در چشم مردم ما بپاشند. به همین خاطر تکیه بر آن نظر گاه امروزه از اهمیتی دو چندان برخوردار گشته است. کسانی که این روزها با تاکید یکجانبه بر فعالیت های قانونی و علنی آن هم در شرایط سلطه عریان سرنیزه می کوشند فعالیت مخفی و غیر قانونی را به حاشیه رانده و شرکت در مضحکه های انتخاباتی رژیم را موجه جلوه دهند، عملاً نه تنها تئوری رزمندگان سیاهکل که تاریخ صحت آن ها را به اثبات رسانده است، را نقض می کنند، بلکه تجربه زندگی در زیر سلطه استبداد جمهوری اسلامی را نیز نادیده می گیرند.

واقعیت این است که وقتی که می پذیریم که شکل حکومتی بورژوازی وابسته در ایران شدیدترین شکل استبداد می باشد، آن گاه دیگر تعجبی نخواهد داشت که چرا دیکتاتوری حاکم حتی با نقض آشکار قوانین خود ساخته اش فعالیت قانونی را عملاً بی نتیجه ساخته است. بر همین اساس است که دیگر برخوردها و اقداماتی که در جامعه تحت استیلای رژیم جمهوری اسلامی انجام می شود، بدرستی فهمیده خواهد شد. مثلاً کاملاً قابل درک خواهد بود که چرا رای مردم در این رژیم و سیستم انتخاباتی اش فاقد هر گونه ارزش می باشد و چرا انتخابات در این رژیم بیشتر به شعبده بازی شباهت دارد تا به انتخاباتی آزاد. در شرایطی که استبداد خونین حاکم به هر وسیله ای متوسل می شود تا از شکل گیری تشکلهای انقلابی جلوگیری نماید و اجازه نمی دهد که محافل و گروه های رزمنده مردمی از محدوده کوچک خود خارج شده و به سازمان دادن مبارزات توده ای بپردازند، در شرایطی که درست به خاطر سلطه دیکتاتوری عنان گسیخته موجود، اعتراضات مردم ما نمی توانند از محدوده های کوچک و محلی فراتر رفته و به یک جنبش

وسیع مبارزاتی تحت یک رهبری انقلابی تبدیل شوند، در چنین شرایطی باید با هر گونه تفکر رفرمیستی که چنین واقعیاتی را نادیده می گیرد به مقابله برخاست. نیروهای مبارز و دلسوز توده ها موظفند که ضرورت تاکید بر تشکیلات مخفی و کار مخفی را به مثابه اصل اساسی هر گونه فعالیت انقلابی با برجستگی هر چه بیشتری به میان جوانان برده و از آنان بخواهند که فریب "علنی" کاریها و "قانونی" گرایی ها و بازیهای انتخاباتی بی مایه را نخورده و با اساس قرار دادن فعالیت مخفی بکوشند از امکانات دیگر جهت رشد و اعتلای کار اصلی سود جویند. جوانان مبارز ما نباید فراموش کنند که در شرایط سلطه بورژوازی وابسته در ایران تنها راه رسیدن به آزادی و دموکراسی، نابودی نظام حاکم می باشد که خود این امر جز در بستر انقلابی توده ای و مسلحانه میسر نیست. این درسی ست که تئوری رزمندگان سپاهکل و تجربیات توده های قیام کننده در بهمن ۵۷ بر آن مهر تایید زدند. تجربه انقلابی ای که باید با گستردگی هر چه بیشتری به نسل کنونی منتقل گردد.

گرامی باد خاطره سترگ رزمندگان سپاهکل!

گرامی باد خاطره فراموش نشدنی توده های قیام کننده در بهمن ۵۷!

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدایی خلق ایران

۱۸ بهمن ۱۳۸۶ - ۷ فوریه ۲۰۰۸